

کلاغ‌ها

موجودات زنده خط آسمان شهر ما هستند
تنظیم گزارش: محمد جمشیدیان



"نظریه‌های نو" گزارش مجله منظر از کارگاه‌های تخصصی مرکز پژوهشی منظر است که در آن صاحب‌نظران برای نخستین بار یافته‌های نوین خود را که در اثر تأمل در موضوع قدیم بدست آورده‌اند به بحث می‌گذارند. این نظریه‌ها به تدریج در قالب مقاله‌های مستقل به طور مشروح عرضه می‌شود.

در چهارمین جلسه از کارگاه نظریه‌های نو در تاریخ ۹۱/۴/۲۷ مهندس «سعید سادات‌نیا» - معمار و نقاش - از ایده آثار خود تحت عنوان «همسایه‌ها؛ منظر سکونت در تهران» می‌گوید.



اما جرعه این کارگاه، آشنایی و معرفی آثار مهندس «سعید سادات‌نیا» بود. وی که از کودکی علاقه‌مند به طراحی و کشیدن آنچه می‌دیده است بوده، در ۱۳۴۸ برای خواندن درس نقاشی وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران می‌شود؛ گرچه در میانه راه تحصیلات آکادمیک نقاشی را رها کرده، اما هنوز به طرح زدن از آنچه می‌بیند مشغول است. در جلسات کاری، از همکاران، در کوهنوردی‌ها از طبیعت و در کوچه و خیابان‌های تهران از گربه‌ها و کلاغ‌ها! اما سررشته ماجرا از آنجایی آغاز می‌شود که روزی دو کلاغ را پشت پنجره اطاقش مشغول جنب و جوش و بازی می‌بیند. صداها، حرکات و تصاویر وی را به روزگار کودکیش می‌برد. با ذهنی کنکاشگر، قلم و دفترچه‌ای به دنبال این دو می‌رود و سر از همه جای شهر درمی‌آورد. می‌فهمد که اینها شاید تنها پرندگان شهر ما هستند و تا چه حد حضور آنها تکاپو و زندگی به شهر می‌بخشد و اینکه در میان عناصر مرده و دست‌ساز شهر، روح زنده شهر هستند. به دنبال آنها تا زباله‌دان‌های کوچه و خیابان، تا کیسه‌های بزرگ سیاه نایلون، تا در مغازه‌های قصابی که محل دزدی زیرکانه کلاغ‌هاست و تا عمق شخصیت این موجودات می‌رود. در این کارگاه او از شخصیت این همسایگان دیرپا و گاه چندصدساله سخن گفت: «شاید این کلاغ‌های مسن که پدران و پدربزرگان ما را به خاطر دارند به ما بگویند: برخیز! حقا که پدران سحرخیزتر و پرکارتر از تو بوده‌اند! چقدر تو بی‌همتی... فرزند ناخلف!!» اینها شاید حافظه خاموش تاریخ شهر ما باشند، که ما نمی‌توانیم بخوانیمشان. تیزهوشی که در نگاه و حرکات آنها نمود دارد انسان را گاه یاد آدم‌های متفکری می‌اندازد که در اطراف ما هستند یا عکسشان نماینده چهره متفکر آنهاست. او در شخصیت کلاغ‌ها، به روح جمعی حاکم بر آنها و وفاداری عجیبی اشاره می‌کند که در رفتارهای زوجی آنها دیده می‌شود. از جلسات محاکمه هر کلاغ خاطی یا تضعیف‌شده طرح کشیده است. در شخصیت کلاغ‌ها به غرور، تسلط و تبحر آنها اشاره می‌کند: همواره می‌خواهند که در ارتفاع و بالا بنشینند و مسلط به اطرافشان باشند. این ناشی از استواری و تکامل شخصیت آنهاست. گویی آنها خیلی قبل‌تر از ما انسان‌ها، کامل شده و در قله شخصیتشان ایستاده‌اند. بر فراز بام‌ها و لبه دیوارها، در کنار مصالح مرده، آنتن‌ها و دودکش‌ها، کلاغ‌ها موجودات زنده‌ای هستند که بخشی از خط آسمان شهر به‌وسیله آنها تعریف می‌شود؛ تعریفی همواره در حال تغییر که درک ما را از شهر می‌سازد و تصویری زنده از کالبد بی‌جان شهر به ما می‌دهد.

این شهر است که منظر آن را می‌سازد. قدم‌های نرم و محتاطانه گربه‌ای بر لبه باریک یک جان‌پناه باریک بام یا جستن و نشستن کلاغ‌ها بر روی آنها نمایشی از زندگی شهری را می‌سازد که بخش جدایی‌ناپذیر منظر شهر تهران است. با این نگاه آنها موجوداتی گذرا و زاید نیستند، بلکه موجودات زنده‌ای هستند که حضورشان در شهر با زندگی انسان‌ها و عادات و خاطره‌های آنها در آمیخته است. «گربه‌ها»، «ما» و «کلاغ‌ها» در کنار هم نقش بازی می‌کنیم. نقشی در تئاتر شهر! تئاتری که منظر شهر است. شهر تهران بدون کلاغ‌ها و گربه‌هایش ذهنیتی دیگر دارد، شهری است که دیگر تهران نیست. هر جا و هر زمان، در مکانی دیگر یا زمانی دیگر نزاع گربه‌ای با کلاغی بر سر کیسه‌ای سیاه‌رنگ یادآور زندگی جاری شهر ماست.

در پایان، سخن از این رفت که تمام هستی و طبیعت در شهر ما حق زیستن دارند. رودها، دره‌ها، حیوانات و درختان به اندازه ما سهم بودن دارند. شاید این ماییم که به محل زندگی آنها تجاوز کرده‌ایم، نه آنها به شهرهای ما. به همین علت است که پرندگان دیگر از شهر ما تاراند شده و تنها کلاغ‌های جان‌سخت کهن‌سال در شهر مانده‌اند. شهر ما دیگر محل عبور پرستوهای در حال کوچ هم نیست. اما گربه‌ها و کلاغ‌ها همسایه‌هایی هستند که اگر حق شهروندی‌شان را جدی بگیریم، شهری خاطره‌انگیزتر و آشنا تر خواهیم داشت. شهری با منظر پیویا و زنده ■

گربه، موجود زنده دیگر بالای بام‌ها و دیوارها است. دقت در حرکات و ثبت سریع آن ما را به گوشه‌هایی از شخصیت آنها راه می‌دهد: نسبت به غرور و وقار کلاغ‌ها؛ اینها بیشتر خودشان را برای آدم‌ها لوس می‌کنند و به تناسب فیگورهایی اینگونه دارند: کز کردن، گوله (گلوله) شدن و خزیدن. ارتباطات عجیب آنها با یکدیگر هم موضوع بسیاری از نقاشی‌ها است. حرکات و رفتارهای خاص در فصل جفت‌گیری یا ارتباط تصویری و بسیار گرافیکی و فیگوراتیوی که از بالا به پایین یا برعکس بر سر دیوارها، لبه بام‌ها از آنها تصویر شده از دنیای مرموز و کشف نشده این همسایگان نزدیک ما در شهر حکایت می‌کند. همسایگانی که دیوارها برایشان، حریم نیست، بلکه دستمایه‌ایست برای بازیگوشی، زندگی روزمره، محلی برای تردد و جایبایی و تداوم جریان زندگی بر سر و روی شهر. بخشی از معنی شهر به واسطه حضور این حیوانات بدست می‌آید. صدای «غارغار» پیچیده در لابلای درختان یا «میومیو» شبانه گربه‌ها از پشت پنجره و دیوارهای این شهر، ذهنیت صوتی ما از

Crows are lively animals of our city sky

Reported by: Mohammad Jamshidian

In the fourth session of the workshop which was held on 17 July 2012, Mr. Saeid Sadat-Niya – an architect and painter_ spoke about the inspirations behind his works in a presentation titled “Neighbors; The Perspective of Life in Tehran”. What follows is an summary of the session:

What inspired this workshop was the impulse to introduce the works of Mr. Saeid Sadat_Niya. He was attracted to drawing and painting from childhood. In 1969, Mr. Sadat_Niya started to study for a B.A. in Drawing in the Faculty of Fine Arts in Tehran University. He later quits, but spends years afterward drawing. When he is in office, he makes drawings of his colleagues. When he is hiking, he makes drawings of nature. And when he is walking through the streets of Tehran, he makes drawings of cats and crows!

In this workshop, Mr. Sadat_Niya spoke about the character of crows_ these ancient neighbors of mankind in all societies. “These [the crows] may be the silent memory of the history of our city which we cannot recall,” he told the participants. Mr. Sadat-Niya even refers to the collective spirit of the crows. He even refers to their sense of pride and authority. A summary of his key remarks on this are as follows:

“They always want to be above others and be dominant on what goes on under. This is rooted in their strength and their mature spirit. It is as if they have achieved maturity much longer before men. At rooftops and over the walls, sitting next to motionless building materials, and above antennas and chimneys, the crows are lively animals which in one way or another define a section of the city sky. This definition which makes up our understanding of the city is constantly changing and provides a vivid picture of the city in our brain.”

Cats are other animals that live on rooftops and at top of the walls. A close attention to their movements and watching from close how fast they move will provide useful clues about their personality. As opposed to the sense of proud and humbleness in crows, these species are cuddly toward men and tune specific postures to that effect like flinching, crawling or coiling. Their strange way of communicating with each other is also the subject of many drawings. Their unique behavior in mating season or the way painters have portrayed them from various angles at the top of the walls or on rooftops manifest their secret world that still needs to be discovered. Cats are neighbors for whom walls provide no privacy; rather, there are mostly meant to be used for play purposes. The walls are in fact symbols of their everyday life, a means to be used for commuting and to keep the life going on. A part of the city life only gets sense only through the existence of cats and of course crows. The “caw! caw!” calls of the crows that you hear among the trees or the “meow! meow!” calls of the cats that you hear at nights gives us an understanding about the common noises of the city. These altogether make up a part of our understanding of city perspective. The smooth and conservative walking that a cat takes when moving over the rooftops or the crows landing on and rising from rooftops provide a presentation of city life which is an inseparable part of Tehran perspective. If looked at them through this perspective, the cats and the crows are not merely animals that must be gotten rid of; rather, they are lively animals whose existence in cities is mixed with the lives of people and their behavior and their memories. Cats, we and the crows each have a role in the play of the city life – a play which provides the perspective of the city. Tehran has a different meaning without its cats and crows. It would be a city which is no longer Tehran. Anywhere, anytime, a fight between a cat and a crow over the contents of a garbage bag reminds one of our current city life.

In the end, we should remember that all existence in our city has the right to live. Rivers, valleys, animals and trees all have a share to be

just equal to ours. Perhaps, it is us who are threatening their life, not them threatening our cities. It may be because of this that birds have escaped our city and only die hard, very old crows have stayed. Our city is no longer a crossing point for migrating swallows. But the cats and the crows are neighbors who will help us have a more memorable and more familiar city if we respect their citizenship rights – a city with a lively and vivid perspective.



پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم

مهرماه ۱۳۹۱

نظریه‌های نو

**همسایه‌ها؛
منظر سکونت در تهران**

مهندس سعید سادات نیا
معمار و نقاش

ساکنان شهر منحصر به آدمها نمی‌شود. در همسایگی ما درخت‌ها و حیوانات هم زندگی می‌کنند و رابطه زیادی میان ما و آنها برقرار می‌شود. شهر، نام فضایی است که این رابطه در آن پدید می‌آید. برای فهم شهر باید همسایه‌هایمان را بشناسیم. گربه‌ها و کلاغ‌های تهران همسایه‌های ما در تهران هستند. همه ما با هم منظر سکونت در تهران را می‌سازیم.

سه شنبه ۹۱/۴/۲۷ ساعت ۱۷/۳۰

خیابان آزادی، خیابان دکتر فریب، شماره ۲۳، تلفن: ۹۱۵۲۴۱